

بازیابی فرم ادوات جنگی دوره ایلخانی بر اساس نگاره‌های منابع تاریخی این دوره^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

مهدی کاظم پور^۲
سمیه زادامیری^۳

چکیده

ساخت ادوات جنگی به منظور دفاع، تثبیت و گسترش قدرت حاکم همواره مورد توجه نهادهای قدرت در اعصار مختلف بوده است. ایلخانان نیز برای اعتلای حکومت خود نیازمند ساخت تجهیزات نظامی بوده‌اند. امروزه، علی‌رغم کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های ایلخانی، اطلاعات چندانی از این جنگ‌افزارها به دست نیامده است. در این میان، نگاره‌های دوره ایلخانی، به دلیل پرداختن به صحنه‌های رزمی، از منابع دست‌اول جهت آگاهی از انواع ادوات جنگی این دوره به حساب می‌آیند. بر همین اساس، در این مقاله با بررسی و تحلیل نگاره‌های دوره ایلخانی، انواع ادوات جنگی مورد استفاده این دوره مورد مطالعه قرار می‌گیرد و طرحی از آنها نیز جهت آشنایی بیش‌تر ارائه می‌شود. هدف، بررسی فرم، تزیین و کاربرد سلاح‌های دوره ایلخانی است. شیوه‌گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای انجام شده است. پژوهش حاضر به روش تاریخی، توصیفی-تحلیلی در صدد است بر اساس نگاره‌های نسخ خطی و با استفاده از منابع مکتوب تاریخی به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: در دوره ایلخانی از چه نوع ادوات جنگی استفاده می‌شد و این ادوات جنگی دارای چه فرم و تزییناتی بوده‌اند؟ آیا فرم و نقوش ادوات جنگی این دوره، نشان از رده نظامی افراد دارد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که، در این دوره مجموعه‌ای از انواع شمشیر، گرز، نیزه، تیر و کمان، سپر دفاعی، زره، کلاه خود و منجنیق در طی لشکرکشی در میدان‌های کارزار، مبارزه تن‌به‌تن، شکار و مراسم دربار مورد استفاده قرار گرفته است که طرح آن‌ها در بدنه اصلی مقاله ارائه خواهد شد. زره و کلاه خود این دوره نشان از رده نظامی دارد و برخی از جنگ-افزارها دارای نقوش اسلیمی، هندسی، گیاهی و حیوانی هستند.

واژه‌های کلیدی: ادوات جنگی، ایلخانی، نسخ خطی، نگارگری.

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.41696.1851

۲- دانشجویار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، نویسنده مسئول. M.kazempour@tabriziau.ac.ir
۳- کارشناسی ارشد هنر اسلامی گرایش نگارگری، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. S.zadamiri@tabriziau.ac.ir

تاریخ ایران سراسر شرح جنگ‌ها، کشورگشایی‌ها و تهاجمات بوده و توجه نقاشان ایرانی باعث ثبت دائمی تاریخ و جزئیات صحنه‌های جنگ و جنگ‌افزارهای مورد استفاده بوده است. از آن جایی که، ایلخانان دائماً، در حال جنگ و یورش بودند، همین امر ضرورت داشتن ادوات جنگی را نشان می‌دهد. ایلخانان برای نمایاندن شوکت و جلال خود و هم‌چنین، گسترش قلمرو و حفظ قدرتشان نیازمند سلاح‌های کارآمد بودند. از این رو، سلاح‌سازان ماهر را به خدمت می‌گرفتند. اسلحه و ادوات جنگی مربوط به دوره ایلخانی بسیار کمیاب و دارای ویژگی‌های هنری است. نگاره‌های به‌جای مانده از دوره ایلخانی اسناد تصویری هستند که تصویری از ادوات جنگی آن دوره را در اختیارمان قرار می‌دهند. در واقع، واقع‌گرایی در دوره ایلخانی روی نگاره‌ها نسبت به سایر ادوار نقاشی ایرانی باعث می‌شود بتوان به نگاره‌های آن دوران برای پی‌بردن به شکل و فرم سلاح‌ها و بازسازی جنگ‌افزارهای دوره ایلخانی اتکا کرد. هم‌چنین، نگاره‌های به‌جای مانده از این دوره، شیوه جنگی مغولان در محاصره یا حمله به استحکامات دفاعی و ادوات جنگی آنان را نشان می‌دهد. برای نمونه، نسخه خطی شاهنامه در دوره ایلخانان، به‌خوبی سلاح جنگجویان و پهلوانان ایرانی را در جنگ‌ها و مبارزات تن‌به‌تن نشان می‌دهد. علاوه بر این، نویسندگانی مانند رشیدالدین فضل‌الله همدانی فرهنگ ایلخانان را در نسخه جامع‌التواریخ به ترتیب سیر تاریخی ثبت کرده است. تصاویر موجود در جامع‌التواریخ، جزئیات زندگی ایلخانان را در اختیارمان قرار می‌دهد. اطلاعاتی مانند تجهیزات جنگی، محاصره جنگجویان و شکار چیان، نوع سلاح، زره، پوشش و رنگ مورد استفاده در آن دوره در این تصاویر قابل مشاهده است. هم‌چنین، جهانگردانی مانند مارکو پولو و ابن بطوطه که از نزدیک دربار ایلخانان را دیده‌اند، به ثبت دیده‌های خود پرداخته‌اند، منبعی ارزشمند محسوب می‌شوند. این مقاله در پی آن است تا با نگاهی به نگاره‌های برجای مانده از دوره ایلخانی، کتب تاریخی، متون و سفرنامه‌ها به بررسی ادوات جنگی این دوره بپردازد؛ و با بازبینی نگاره‌های

دوره ایلخانی اطلاعاتی در مورد انواع ادوات جنگی دوره ایلخانی در اختیار خواننده قرار دهد و بررسی شود ادوات جنگی دوره ایلخانی از لحاظ فرم و نقوش تزئینی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ فرم و نقوش ادوات جنگی این دوره آیا نشان از رده نظامی افراد دارد؟ و این ادوات دارای کاربرد نظامی بوده یا کاربرد زینتی داشته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش تاریخی، توصیفی و تحلیلی انجام شده و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت گرفته است. این مقاله سعی بر آن دارد تا با بررسی منابع تاریخی به معرفی و شناخت سلاح‌های نظامی ایلخانان هم‌چنین، شناسایی فرم و تزئینات به‌کار رفته روی ابزار جنگی آن دوره بپردازد. بر این اساس، ابتدا، به بیان نحوه آموزش جنگجویان دوره ایلخانی و ادوات جنگی آن دوره پرداخته شده و در ادامه، نگاره‌هایی که تصویری از ادوات جنگی در آن ترسیم شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا با بررسی و تحلیل ابزار جنگی در هر نگاره به فرم و تزئینات آن‌ها در دوره ایلخانی پی برده شود. در مجموع ۹۴ نگاره از دوره ایلخانی - که در آن بتوان ابزار جنگی آن دوره را مورد تفحص قرار داد - جمع‌آوری و بررسی شد. جامع‌آماري پژوهش حاضر به تفکیک نسخ مورد مطالعه به این صورت است. منافع‌الحيوان ابن‌بختیشوع محفوظ در کتابخانه پیرپونت مورگان در آمریکا تحت شماره M.500 که دارای ۹۴ نگاره است (آژند، ۱۳۸۹: ۱۴۲)؛ ۷ نگاره از این نسخه یافت شده است که ابزار آلات جنگی در آن نمود یافته است. از سه نسخه مصور جامع‌التواریخ متعلق به دوره ایلخانان، نسخه متعلق به کتابخانه دانشگاه ادینبورگ به شماره Arab20 (دشتگل، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۶)، ۲۹ نگاره، در نسخه متعلق به مجموعه ناصر داود خلیلی ۷ نگاره و در نسخه متعلق به موزه توپقاپی سرای استانبول (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۷)، ۲۱ نگاره یافت شد که در این نگاره‌ها ادوات جنگی نمود یافته است. نسخه آثارالباقیه اثر محمدبن احمد خوارزمی معروف به ابوریحان بیرونی متعلق به کتابخانه دانشگاه ادینبورگ

(Ms.Arab,p.161) (آژند، ۱۳۸۹: ۱۵۰) دارای ۲۵ مجلس نگاره است که در ۳ نگاره آن تصویری از ادوات جنگی ترسیم شده است. شاهنامه دموت یا شاهنامه بزرگ تبریز یا شاهنامه بزرگ ایلخانی امروزه تنها ۵۷ نگاره آن موجود است (همان: ۱۴۷) که ۲۷ نگاره از این نسخه یافت شد که می‌توان ادوات جنگی را در آن‌ها مشاهده نمود.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری، آثاری با موضوع صنعت فلزکاری و ادوات جنگی در ادوار مختلف تاریخ ایران را به رشته تحریر درآورده‌اند. البته، در تحقیقات و تالیفات انجام شده، اغلب به دوره‌های ساسانی، تیموری، صفوی و قاجار پرداخته شده است. به دلیل کمبود ابزار جنگی بر جای مانده از دوره ایلخانی، پژوهشی در این مورد انجام نگرفته است. در برخی تالیفات نیز بخش کوچکی به ارتش ایلخانان می‌پردازد. از کتاب‌هایی که به ابزار آلات جنگی پرداخته باشند، می‌توان به کتاب «مغول‌ها، هون‌ها و وایکینگ‌ها در جنگ» نوشته هیو کندی (۲۰۰۲)، اشاره کرد که فصلی از این کتاب، به نحوه زندگی، جنگ و سلاح‌های مغولان می‌پردازد. رابرت الگود (۱۹۷۹)، در کتاب «اسلحه و زره اسلامی» ادوات جنگی دوره اسلام را بررسی می‌کند و در بخشی از کتاب به زره مورد استفاده ایلخانان بر اساس نگاره‌ها و منابع تاریخی می‌پردازد. جلد ششم کتاب «سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)» نوشته آرتور اپهام پوب و فیلیس اکرم (۱۳۸۷)، هنر فلزکاری در ایران را رایج می‌دهد و در بخشی از آن به زره و سلاح‌های ایران در ادوار مختلف پرداخته شده است. در دو جلد کتاب «تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران: جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی» نوشته اسدالله معطوفی (۱۳۸۲)، مسایل ارتش، ساختار ارتش، جنگ، شیوه جنگاوری و ابزار و ادوات جنگی از تمدن ایلام تا اوایل دوره پهلوی در فلات ایران شرح داده شده است. در فصلی از جلد اول این کتاب، به زندگی اجتماعی و ارتش مغولان و حکومت ایلخانان، اوضاع اجتماعی و نظامی عهد ایلخانان، تسلیحات و ادوات جنگی آنان پرداخته شده است.

گرت جونز (۱۳۹۴)، در کتاب «دایره‌المعارف مصور تاریخ جنگ و جنگ‌افزار» به صورت مکتوب و بصری به بیان جنگ‌افزارهای ادوار مختلف تاریخ پرداخته است و در قسمتی از آن، جنگ‌افزارهای مورد استفاده مغولان را بیان می‌کند. دیوید آلکساندر (۱۳۸۷)، در کتاب «ابزار آلات جنگ» به جنگ‌افزارهای ادوار تاریخ که توسط ناصر خلیلی گردآوری شده، می‌پردازد. در میان مقالات مطالعه شده می‌توان به مقاله «تبلور عهد مغول در آیین فلز» نوشته سوسن بیانی (۱۳۷۹)، اشاره کرد که در این مقاله، بررسی و تحلیل انواع آثار و اشیای فلزی و تحولات مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و هنری سده ۷ و ۸ ه. ق. در ایران ارایه شده و بخشی از مقاله به فلز در خدمت تسلیحات در دوره ایلخانان می‌پردازد. نورمحمدی نجف‌آبادی و بیاتلو (۱۳۹۳)، در مقاله «انواع منجنیق‌های دوره اسلامی بر اساس ساز و کار، ساختار، کارکرد و نوع پرتابه‌های جنگی» انواع منجنیق‌های سده‌های میانه اسلام را طبقه‌بندی کرده و آن‌ها را بر اساس مکانیزم، شیوه عمل، نوع ساخت، کارکرد تقسیم‌بندی نموده‌اند و عملکرد و تاثیرات هر یک را بیان می‌کنند. با توجه به پژوهش‌های پیشین، تاکنون بررسی و تحلیل فرم ادوات جنگی دوره ایلخانی در هیچ پژوهشی صورت نگرفته است و همین امر ضرورت انجام این مقاله را مشخص می‌نماید.

جنگجویان ایلخانی

مردمان دوره ایلخانی، مردمانی جنگجو و کشورگشایی بودند که به سبب داشتن ارتش منظم و هم‌چنین، ابزارهای جنگی کارآمد، فاتح کارزارها بودند. کتاب‌های بر جای مانده از این دوره نیز با عناوین تاریخ جهانگشا، شاهنامه‌ها و... بر اهمیت جنگاوری این دوره صحنه می‌گذارد. سربازان مغولی، دوره‌ای از آموزش‌های اصولی جنگیدن را در میدان‌های شکار می‌گذراندند (Kennedy, 2002: 118)، و از این طریق مهارت‌های لازم در میدان‌های نبرد را کسب می‌کردند. اشپولر می‌نویسد: چنگیزخان آموزش مهارت‌های سوارکاری و تیراندازی برای سپاهیان را با ترتیب دادن شکار، ارتقا می‌داد و از این راه غذای لشکریان

و آذوقه لازم برای جنگ را نیز فراهم می‌کرد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۱۷). علاوه بر آن، او از طریق شکار، مشقت‌های جنگ و طرز محاصره و کشتار و خو گرفتن با سلاح را به سربازان آموزش می‌داد (حسینی‌کازرونی، ۱۳۷۹: ۵۱۳). در واقع، اهمیت شکار نزد مغولان به حدی بود که قوانین صید و شکار کردن را برگرفته از قانون یاسای چنگیزی^۱ دانسته‌اند (بیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۸). جوینی می‌نویسد: چنگیز خان دستور داده بود که تا زمانی که سپاه به کار لشکر مشغول نیستند، دایماً، بر صید حریص باشند و به تیراندازی و مشقت عادت کنند و... حلقه شکار فروگیرند و... تا شکار به یک جا برسد و... ابتدا خان با چند تن از خواص یک ساعتی تیراندازی و صید کنند و بعد پادشاه زادگان و امرا و... (جوینی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰). در آخر، هر سربازی فرصت آن را داشت تا مهارت خود را در شمشیر، نیزه یا کمان، مقابل افسران خود نشان دهد. این مهارت‌های شکار به مهارت‌های جنگی تبدیل می‌شد و با انجام این عملیات قادر بودند سربازان دشمن را بی‌آن‌که متوجه شوند، محاصره کنند (هال، ۱۳۸۵: ۵۴). نحوه جنگیدن مغولان ایران در دشت‌ها به این صورت بود که ابتدا، لشکری جهت آشفته کردن خاطر دشمن به میدان می‌رفت. سپس، لشکر اصلی حمله می‌کرد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۱۲). هم‌چنین، حمله و محاصره قلعه‌های دشمنان از مهم‌ترین عملیات جنگی مغولان محسوب می‌شد. آنان با استفاده از کلوخ‌اندازها و آتشبارها به حصارهای دشمن نفوذ می‌کردند (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). در واقع، شیوه شکار مغولان همانند استراتژی جنگ آنان، ابتدا، محاصره و سپس، حمله بود و بیش‌تر جنگ‌هایشان بر همین اساس انجام می‌گرفت. این موضوع را می‌توان در نگاره‌های جامع التواریخ نیز مشاهده کرد.

در ابتدا، مغولان به دلیل داشتن زندگی دامپروری، کمبود آهن و عدم آشنایی با صنعت فلزکاری، زره و قسمتی از کلاه خود خود را از چرم و پوست درست می‌کردند و بعد از پیروزی بر کشورهای مانند ایران و چین، از هنر اسلحه‌سازان و معادن فلز (آهن) آن‌ها استفاده کردند. مغولان، اسلحه‌سازان و صنعتگران آن اقلیم را به عنوان اسیر و غنایم جنگی به خدمت

خود درمی‌آوردند، تا به ساخت ادوات جنگی بپردازند. آنان از چینی‌ها برای ساخت منجنیق و هم‌چنین، مهندسان و صنعتگران ایرانی برای ساخت جنگ‌افزارهای متعدد استفاده می‌کردند (معطوفی، ۱۳۸۲: ۴۸۷، ۴۸۸، ۵۲۰). علاوه بر آن، برخی سلاح‌ها را نیز از مناطق دیگر خریداری می‌کردند. الجایتو زمانی که تصمیم حمله به شام را گرفت، یازده هزار تیر فولادی فراهم کرد و هزار و پانصد زره‌که در فرنگ ساخته بودند- خریداری کرد. هم‌چنین، صد خروار طبل بزرگ، صد قاروره (پیاله) نفت، دویست و شصت محافظ سر اسب و زین‌های مرصع، صد درفش (میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۳۱۰)، و به همراه سایر ادوات و سپاهیان به سوی شام لشکرکشی کرد. به این ترتیب، تاثیر هنر سایر کشورها از جمله چین را روی سلاح‌های عصر ایلخانی می‌توان توجیه نمود. صنعتگران ایرانی بعد از تهیه فولاد، تمام ادوات جنگی را از جنس فولاد می‌ساختند و از تکنیک زرکوب و نقره‌کوب برای تزئین آن‌ها استفاده می‌کردند. سپس، توسعه فرآیند فولاد آبدیده منجر به ساخت سلاح‌ها با این فلز شد. معروف‌ترین مراکز تهیه فولاد، شهرهای خراسان، کرمان، اصفهان، قزوین، زنجان و شیراز بود (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۹-۲۳۰). مارکوپولو، کرمان را به عنوان یکی از بهترین معادن آهن دنیا در آن زمان معرفی می‌کند که در آنجا تسلیحات جنگی و کارگاه‌های معدن آهن وجود داشت. او در سفرنامه خود می‌نویسد: «مردم در این جاد در ساختن آلات و ادوات جنگی از قبیل زین و برگ، مهمیز، شمشیر، کمان و ترکش مهارت زیادی دارند» (گابریل، ۱۳۸۱: ۲۲۹).

تجهیزات یک جنگجوی مغولی با لباس‌هایی که برای محافظت او بودند، شروع می‌شد. هر جنگجو زیر پیراهن محکمی از جنس ابریشم^۲ می‌پوشید و روی آن یک بالاپوش می‌پوشید و اگر عضوی از سواره‌نظام سنگین اسلحه بود، علاوه بر آن، زرهی نیم‌تنه و زره سینه‌ای ساخته شده از چرم-که باریکه فلزی میخ‌کوبی شده‌ای روی آن بود-به تن می‌کرد. برای محافظت از ساق پای جنگجو، چکمه‌های او مربع‌هایی آهنین داشت که به قسمت داخلی چکمه‌ها وصل می‌شد. هم‌چنین، هر جنگجو، سپر سبکی را حمل می‌کرد که از ترکه درخت بید ساخته

شده و روکشی چرمی داشت. جنگجویان عالی رتبه، کلاه خودی از چرم یا آهن بر سر داشتند. سلاح‌های معمول، شامل دو کمان مرکب و یک ترکش بزرگ حاوی حداقل شصت تیر بود. سواران سبک اسلحه، شمشیری کوچک و دو یا سه زوبین داشتند. در حالی که سواران سنگین اسلحه، یک شمشیر، یک گرز (تبر جنگی) و یک نیزه سه و نیم متری حمل می‌کردند (هال، ۱۳۸۵: ۵۰). به‌طور کلی، مغولان از سلاح‌های دوکمان بلند یا حداقل یک کمان خوب، سه تیردان پُراز تیر، یک تبر و طناب‌هایی برای کشیدن آلات جنگی استفاده می‌کردند و اشخاص ثروتمند شمشیرهای یک‌دم‌نوک تیز و تا حدی کج داشتند. برخی از آن‌ها برای اسب‌هایشان نیم‌تنه چرمی دو یا سه لایه استفاده می‌کردند. کلاه خود آن‌ها آهن یا فولاد بود که قسمت چرمی آن دور گردن و گلو را محافظت می‌کرد. برخی از آن‌ها، زره تمام آهنی داشتند که به این شکل تهیه می‌شد: «مقدار زیادی صفحه‌های نازک را به پهنای انگشت و به درازی دست می‌برند و در هر کدام هشت روزن پدید می‌آورند و آن‌ها را از سه تسمه محکم و راست چرمی می‌گذرانند. آن‌گاه صفحات را به یک‌دیگر چنان وصل می‌کنند که گویی، تا حدی، روی هم سوار شده باشند. آن‌گاه صفحات را با تسمه‌های کوچک و ظریف دیگری که از روزن‌ها می‌گذرند، به تسمه‌ها [ی اصلی] می‌بندند، و در قسمت بالا در هر طرف، یک تسمه کوچک دولا را می‌بندند که صفحات محکم به هم بافته شوند. این زره‌ها را برای سربازان شان می‌سازند و هم برای اسبان درست می‌کنند و آن‌ها را چنان برق می‌اندازند که شخص خود را در آن‌ها ببیند. برخی از آنان در گردن نیزه خود قلابی دارند که با آن می‌کوشند حریف را از زین پایین بکشند، سر تیرهای آن‌ها سخت تیز است و از هر دو طرف مثل شمشیر دو لبه می‌برد و همیشه سوهان‌هایی در تیردان خود دارند که پیکان‌ها را با آن‌ها تیز کنند» (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۹۶۱-۲۹۶۲).

ادوات جنگی دوره ایلخانی

هنر نگارگری را می‌توان بازتاب‌دهنده هنرهای موجود عصر خود دانست. در بررسی جنگ افزارهای دوره اسلامی و به‌خصوص دوره ایلخانی، نگاره‌هایی وجود دارد که اوراق آن‌ها، دارای مضامین جنگی است. بر همین اساس، این هنر به‌عنوان عاملی مهم در شناسایی انواع سلاح‌های به‌کار رفته، ویژگی‌های ادوات جنگی و شیوه نبرد آنان به کمک پژوهشگران می‌آید و می‌توان از این طریق اطلاعات کافی در خصوص ادوات جنگی این دوره را کسب نمود. ادوات جنگی ارتش ایلخانان بر اساس کاربردشان و با توجه به نگاره‌های دوره ایلخانی، به این شرح دسته‌بندی شده است:

۱. سلاح‌های سرد و هجومی. این ابزارها برای حمله به دشمن استفاده می‌شدند: شمشیر، نیزه، گرز، تیر و کمان و منجنیق.
۲. سلاح‌های دفاعی. ابزاری هستند که در جنگ‌ها جنگجویان برای حفظ جان خود (محافظت از خود) استفاده می‌کردند: زره، سپر، کلاه خود، زانوبند، ساعدبند، کمر بند و... در ادامه، به معرفی ادوات جنگی این دوره پرداخته می‌شود.

تیر و کمان و تیردان

تیر و کمان یکی از سلاح‌های اصلی ایلخانان بود که دلیل آن را می‌توان کمبود آهن عنوان کرد. هر فرد سپاهی، حداقل یک و اغلب دو یا سه، کمان داشت (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۸). تیر از دو قسمت چوبه و پیکان تشکیل می‌شد (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۰). چوبه را با چوب و پیکان آن را از یک قطعه استخوان از شاخ یا قلم حیوانات و یا آهن بسیار تیز دو لبه می‌ساختند (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۸)؛ و قسمت انتهایی آن را به جهت حفظ تعادل، پَرانواع پرندگان می‌بستند. کمان شهرهای دمشق، قزوین، بلغار، فارس، طراز، شهرهای ماوراءالنهر و چین در عهد ایلخانی مورد توجه بود (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۱۹-۵۲۰). بیش تر ارتش مغول را سواره نظام سبک اسلحه کماندار تشکیل می‌دادند (مورگان، ۱۳۸۹: ۱۱۰). کمان آنان، کمان‌های مرکبی بودند که با لایه‌های ورق چوب، شاخ و زردپی

می‌ساختند که انعطاف بیش‌تری داشته باشد و در نتیجه بُرد بیش‌تری نسبت به کمان‌های چوبی ساده برخوردار بود. زه این کمان‌ها از پوست حیوانات درست می‌شد (جونز، ۱۳۹۴: ۹۹). در نگاره‌های دوره ایلخانی، این سلاح جنگی توسط سواره‌نظام‌های در حال حرکت و افرادی که بالا و پایین قلعه‌جاگیری کرده‌اند، استفاده می‌شد. دو سمت این کمان‌ها خم‌شدگی دارند. این کمان‌ها به‌سختی کشیده می‌شوند و قوی‌تر از کمان‌های انگلیسی معروف بعد از قرون وسطی بودند. هم‌چنین، مغولان زمانی که هوا تاریک می‌شد، تیرها را به مواد آتش‌زا آغشته کرده و آتش می‌زدند و به سمت مقابل پرتاب می‌کردند (Kennedy, 2002: 117).

نیزه و نیزه‌های نوک قلبی

نیزه یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای جنگی و شکار، جزو ادواتی است که در نگاره‌های دوره ایلخانی مشاهده می‌شود. سواره‌نظام سنگین اسلحه زره‌پوش، به نیزه نیز مجهز بودند و گاه سربازان، بر بالای آن پرچم و یا پارچه‌ای را وصل می‌کردند. سر نیزه‌های آنان از جنس آهن بود که به دسته چوبی متصل می‌شد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۸). معروف‌ترین نیزه‌های عهد ایلخانی، بُرجانی، خطی، سباط هندی و بطحاء بودند که نیزه خطی بهترین نوع نیزه‌ها به‌شمار می‌رفت (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۱۹). هم‌چنین، نوعی از نیزه‌ها، نیزه نوک قلبی هستند، که گفته می‌شود نوک قلبی^۳ شکل نیزه‌های نوک قلبی از چنگک کشاورزان روستایی مشتق شده است و منشای آن به انگلستان برمی‌گردد (جونز، ۱۳۹۴: ۷۴). این نیزه‌ها، دو شاخه‌ای بودند که شاخه جلوی آمده آن نوک تیز و شاخه دیگر آن، مانند عصا سرکج و برگشته بود و به وسیله آن در جنگ، گردن یا لباس دشمن را قلاب کرده و از اسب پایین می‌انداختند (معطوفی، ۱۳۸۲: ۴۸۸).

گرز

گرز به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین سلاح‌ها، نماد اقتدار، شوکت نظامی و نشان از قدرت سپاه و فردی که آن را به‌دست می‌گرفت، بود. گرز مورد استفاده در دوره ایلخانی دارای پایه استوانه‌ای توخالی است که دسته چوبی گرز درون آن فرو می‌رفت.

شمشیر

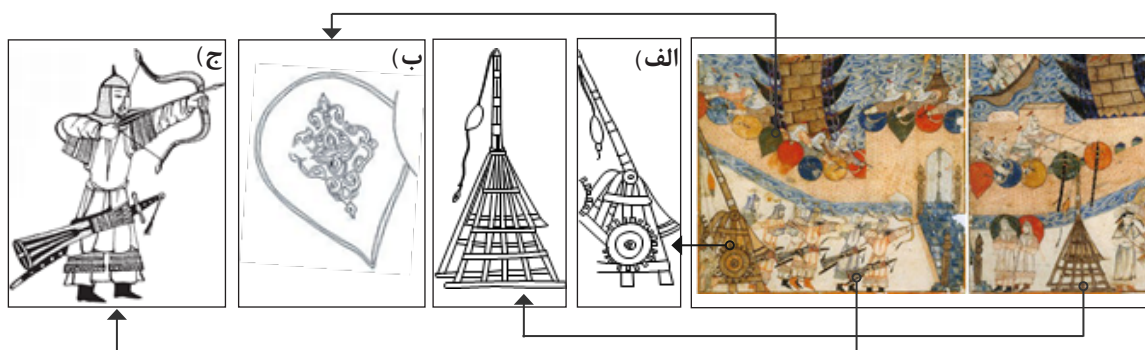
در ارتش ایلخانان پیاده‌نظام‌ها با شمشیر مبارزه می‌کردند. شمشیر به‌عنوان یکی از ابزار جنگی، دارای قسمت‌های دسته، سردسته، بلچاق، میله اتصال و تیغه فولادی^۴ است (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۳۰). اعراب صدر اسلام از شمشیرهای صاف استفاده می‌کردند. این شمشیرها برگرفته از روم باستان موسوم به گلا دیوس، دو لبه بودند و برآمدگی گردی در انتهای دسته و یک محافظ سر پایین روی دسته داشتند. شمشیرهای عربی برای جنگجویان پیاده‌نظام مناسب‌تر بودند. با این وجود، سواره‌نظام‌ها نیز از آن‌ها استفاده می‌کردند. نوع شمشیر صاف در نگاره‌ای از جامع التواریخ در دستان پیامبر ترسیم شده است. دسته، حلقه و زنجیر آویز آن نقره بوده و دارای تیغه لاغری بود. این نوع شمشیر را از دوش خود می‌آویختند (آلکساندر، ۱۳۸۷: ۱۰). در اواخر سده ۵ ه. ق. تغییری در فرم بدنه تیغه به وجود آمد و آن ایجاد انحنا و خمیدگی در بدنه شمشیرها بود و این امر باعث افزایش ابتکار عمل جنگجویان در میدان جنگ بود (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۳۰). به دلیل این‌که مغول‌ها اغلب بر پشت اسب می‌جنگیدند، بیش‌تر از شمشیر خمیده (سابر) استفاده می‌کردند. این شمشیرها قابلیت مفیدتری در ضربه‌زدن و قطع کردن برای سوارکاران داشتند. دسته شمشیر خمیده (سابر) اندکی خمیده شده و برآمدگی انتهایی آن تخت است و سرپوش فلزی هشت‌گوش دارد. این شمشیرها را با کمربندی ویژه به کمر می‌آویختند (آلکساندر، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

منجنیق

تصرف شهرها و قلعه‌ها از نشانه‌های قدرت، عظمت و ابهت فرماندهان محسوب می‌شد و اهمیت بسیاری داشت. به طوری که بزرگی هر یک از فرمانروایان را به تعداد دژها و قلعه‌های گشوده مرتبط می‌کردند (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۲۸۶). استراتژی مهم نبرد مغولان، محاصره بود. به همین دلیل، مغولان در جنگ‌ها از ادوات محاصره استفاده می‌کردند. یکی از ادوات محاصره منجنیق بود که از آن برای خراب کردن استحکامات، پرتاب سنگ، کُنده‌چوب

و مواد محترقه استفاده می‌شد. محاصره و حمله به قلعه‌های دشمنان توسط آتشبارها و کلوخ‌اندازهایی که با پوشش ضخیمی از ورقه‌های فلزی پوشیده شده بودند، انجام می‌شد (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). در واقع، پرتاب سنگ و گوی‌های آتشین بهترین سلاح برای تخریب قلعه به‌شمار می‌رفت و مغول‌ها در جنگ از منجنیق استفاده می‌کردند (جونز، ۱۳۹۴: ۹۸). هم‌چنین، آن‌ها از مخزن‌های نفت در نقش ماده‌ای آتش‌زا بهره می‌بردند (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۱۲)؛ و آن را با منجنیق به سوی هدف پرتاب می‌کردند و به حصارهای دشمن نفوذ می‌کردند.

نیز از پوست حیوانات استفاده می‌شد (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۰). زره از چهار قسمت تشکیل می‌شد؛ یکی، از ران تا گردن، دیگری، از پس‌گردن تا صلب و قطعات مخصوصی که، دست‌ها و پاها را می‌پوشاند. قسمت‌های مختلف زره با بست‌های آهنین به هم متصل می‌شدند و تنها فرماندهان بزرگ و افسران عالی‌رتبه زره زنجیری آهنین یا فولادی داشتند (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۸-۴۰۹ و معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۰-۵۲۱). گاهی، سواره‌نظام‌ها نیز از زره‌های فلزی یا زره چرمی استفاده می‌کردند (معطوفی،



(URL7).

تصویر ۱ - بخشی از نگاره محاصره بغداد، جامع‌التواریخ (URL9).

در جامع‌التواریخ آمده زمانی که، هولاکوخان به سوی بغداد لشکرکشی کرد، دستور به محاصره شهر را داد و چون در اطراف بغداد سنگ منجنیق نبود، نخل‌ها را می‌بریدند و به جای سنگ با منجنیق می‌انداختند (فضل‌الله‌همدانی، ۱۳۷۴: ۷۱۰) و بعد روزها محاصره و خونریزی با تسلیم شدن خلیفه و کشته شدن او جنگ خاتمه یافت. تصویر ۱، محاصره شهر بغداد، پایتخت خلافت عباسیان، توسط هلاکوخان را نشان می‌دهد. این رویداد مهم تاریخ، توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب جامع‌التواریخ به صورت مکتوب و بصری ثبت گردید.

خفتان یا زره

خفتان یا زره، نوعی لباس جنگ است که فرماندهان، سربازان و قهرمانان در هنگام جنگ و مبارزه آن را بر تن می‌کنند، تا از شدت ضربات سلاح دشمن کم‌کند و یا از برخورد مستقیم سلاح به بدن جلوگیری کند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، زره ارتش ایلخانی در ابتدا، به دلیل کمبود آهن اغلب از چرم بود و گاهی

آن‌ها زره‌سازی را از ایرانیان آموختند (۱۳۸۲: ۵۲۱). کلاه‌خود، ساق‌بند و بازوبند سپاهیان خود را از فولاد آبدیده ساختند. زره آنان سبک بود و به سوارکاران اجازه می‌داد که به سرعت بتازند، روی زمین جابه‌جا شوند، بچرخند و به طرف جلو یا عقب تیراندازی کنند (هال، ۱۳۸۵: ۹۲). برخی سوارکاران منقوش در جامع‌التواریخ پوششی شبیه به پارچه و برخی زره‌هایی ساخته شده از پلاک‌های فلزی به هم پیوسته به تن دارند. این پوشش ظاهراً، پارچه‌ای از نوعی مرسوم به «خرآقند» بوده که مشتمل بر زرهی از پلاک‌های فلزی کوچک با روپوش پارچه‌ای است. نمونه‌ای از تن‌پوش جنگاوران در جامع‌التواریخ وجود دارد که، متشکل از پلاک‌های کوچک چرمی و استخوانی و چوبی و فلزی بوده که یا روی پارچه می‌دوختند و یا به صورت رشته‌هایی در کنار هم قرار می‌دادند و به همین دلیل، به زره ورقه‌ورقه یا لایه‌ای شهرت داشتند (تصویر ۲). گرچه این زره‌ها پیش از اسلام در خاور نزدیک به کار می‌رفت، اما بعد از قرن پانزدهم میلادی فراگیر شد (آلکساندر، ۱۳۸۷: ۱۴).



تصویر ۲ - بخشی از نگاره شکست دادن نیروهای هند توسط محمود، جامع التواریخ (URL4).

کلاه خود

کلاه خودها در این دوره، مخروطی نوک تیز بودند. این شکل کلاه خود دو فایده داشت؛ یکی، محافظی عالی از ضربه‌های شمشیر بود که به دلیل شکل این کلاه، شمشیر روی آن می‌لغزید و دیگر آن که، قد شخص را بلندتر و ظاهرش را پُرهیبت‌تر نشان می‌داد. این شکل کلاه خود در ایران تا سده نهم هجری حفظ شد. کلاه خودها از جنس آهن یا فولاد بود که قسمت چرمی آن دور گردن و گلو را محافظت می‌کرد (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۹۶۱، ۲۹۶۲، ۲۹۶۵). برای ثابت نگه داشتن کلاه خود نوارهای چرمی به آن اضافه می‌شد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۹). هم‌چنین، کلاه‌ها دارای زائیده‌هایی برای پوشاندن گوش بودند. نصب پر و بیرق در مرکز کلاه خودها در هنگام نبرد معمول بود (غیبی، ۱۳۸۴: ۳۹۰).

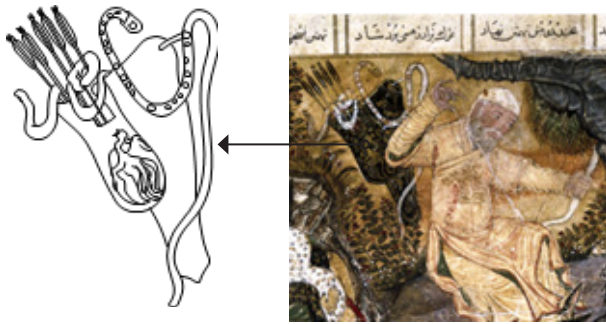
سپر

سپر یکی از ادوات دفاعی است که نظامیان به منظور حفظ خود از ضربات شمشیر، نیزه، تیر و هم‌چنین، گرز آن را مقابل خود نگه می‌داشتند و در واقع، محافظ اصلی جنگجویان ایلیخانی بود. در نگاره‌های نسخ جامع التواریخ نوعی سپر گرد (محدب شکل) با چهار گل میخ دیده می‌شود. گل میخ‌هایی که معمولاً، چهار تایی هستند، هدف عملی داشتند، تا از بریده شدن پرچ‌های دسته که در داخل بود - جلوگیری کنند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۹۶۸). ایلیخانان سپرهای خود را ابتدا، با چرم درست می‌کردند و بعدها، آن را با فلز ساختند. سپر آنان بیش‌تر از آهن نازک، پوست گاو (چرم گاو) و گاهی نیز نی‌های مخصوص به هم بافته شده ساخته می‌شد (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۱).

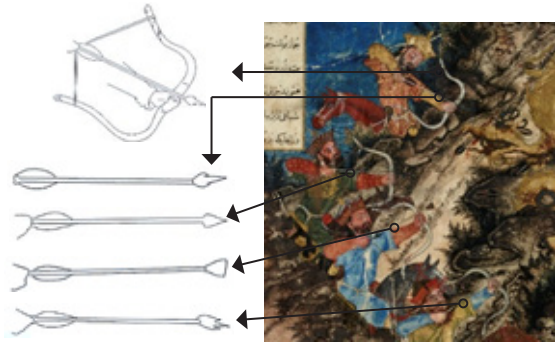
فرم و تزیینات ادوات جنگی دوره ایلیخانی

انسان‌ها در ابتدا، برای جنگ و شکار از چوب، سنگ، استخوان و بعدها، از فلز برای خود سلاح درست می‌کردند. شکل، فرم و نحوه استفاده از آن‌ها در ادوات مختلف تغییر و توسعه یافت. به طوری که فرم هر یک از ادوات جنگی هر دوره را می‌توان مختص همان دوره دانست.

بر اساس بررسی نسخ مورد مطالعه، ده نمونه فرم تیر که تفاوت آن‌ها در سر پیکان است و چهار نمونه فرم کمان شناسایی شد. نمونه‌هایی از آن‌ها در تصویر ۳، مشاهده می‌شود. تیردان‌ها نیز به شکل استوانه‌ای و از چرم درست می‌شدند که تیرانداز آن‌ها را همراه خود نگه می‌داشت. سواره‌نظام‌ها و تیراندازان، کیسه‌کمانی از جنس چرم داشتند و آن را در سمت چپ و تیردان را سمت راست توسط کمربندی به خود می‌آویختند. اغلب، در کنار تیردان، دم پلنگ یا ببر آویزان بود. این دو حیوان نماد نیروی جسمانی، قدرت و دلاوری محسوب می‌شدند (هال، ۱۳۸۰: ۳۲-۴۰). در نگاره‌های جامع التواریخ سه نمونه فرم تیردان و در نگاره‌های شاهنامه دموت چهار نمونه فرم تیردان مشاهده می‌شود. گاه، روی تیردان‌ها نقوشی شامل نقوش گیاهی و حیوانی مانند سیمرغ ترسیم می‌شد (تصویر ۴). هم‌چنین، روی برخی تیردان‌ها خطوط منحنی به شکل موج دریا دیده می‌شود. کیسه‌کمان‌های این دوره یک فرم دارند و روی آن‌ها اغلب، ساده و گاهی نیز با نقوش حیوانی، گیاهی و خطوط منحنی به شکل موج دریا تزیین می‌شد. با توجه به نگاره‌های این دوره تیر و کمان‌ها علاوه بر کاربرد نظامی و استفاده آن در شکار و مراسم دربار گاهی، به عنوان هدیه به امپراتور یا خان مورد استفاده قرار می‌گرفت.



تصویر ۴- رستم بر شغاد چیره می‌شود، شاهنامه دموت (URL1).



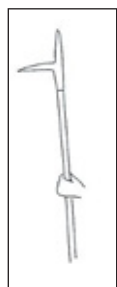
تصویر ۳- رزم اسکندر با زدها، شاهنامه دموت (URL2).

در نگاره‌های این دوره، بیست و دو فرم گرز مشاهده می‌شود که دارای مقطع عرضی به شکل‌های چهارضلعی (چندضلعی)، پره‌دار، دایره (کروی) و گرزهایی به شکل سر حیوان می‌باشند. در نگاره‌های نسخ جامع‌التواریخ گرز پره‌دار بسیار دیده می‌شود. از این رو، می‌توان گفت، فرم یکی از گرزهای دوره ایلخانی به این شکل بوده است. به‌طور کلی، در نگاره‌های نسخ جامع‌التواریخ، نُه نمونه گرز و در نگاره‌های شاهنامه بزرگ سیزده نمونه گرز مشاهده می‌شود. در نسخه شاهنامه بزرگ فرم گرز به شکل سر گاو یا شیر ترسیم شده است (تصویر ۶). در نگاره‌های این دوره گرز را می‌توان در داستان پادشاهان، صاحب‌منصبان، پهلوانان و قهرمانان در میدان‌های نبرد، شکار، مراسم دربار و مبارزات تن‌به‌تن مشاهده کرد. این تنوع گرز در نگاره‌ها نشان

از اهمیت این ابزار جنگ در میان قهرمانان و صاحبان قدرت دارد. گرز نیز مانند کمان در پوششی قرار می‌گرفت و در سمت راست به کمر فرد بسته می‌شد. پوشش گرز به صورت استوانه‌ای بدون نقش و گاه دارای نقوشی ساده بود. تصویر (۷) دو مبارز را نشان

می‌دهد که کلاه خود و زره بر تن دارند و تیر و کمان به کمر بستند و با گرز در حال مبارزه هستند. شمشیر در نگاره‌های نسخ جامع‌التواریخ و منافع‌الحیوان به صورت دو نوع شمشیر صاف و خمیده ترسیم

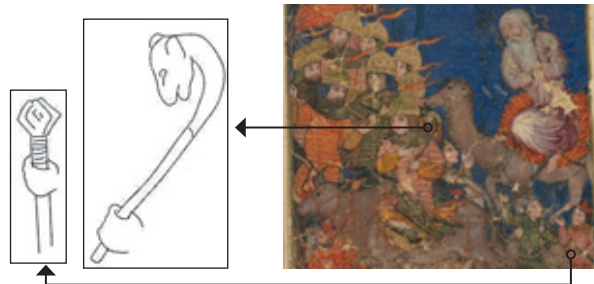
دوازده نوع نیزه در نگاره‌های دوره ایلخانی مشاهده شد. هشت نوع آن در نسخ جامع‌التواریخ و چهار نوع آن در شاهنامه دموت است. در نگاره‌های جامع‌التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ سه فرم نیزه در میدان نبرد و سه فرم آن که سه شاخه دارد، در دست محافظان پشت سر امپراتور ترسیم شده است. در نسخه جامع‌التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ و مجموعه خلیلی، سواره‌نظام‌ها در میدان‌های نبرد اغلب، نیزه در دست دارند. در حالی که این موضوع در شاهنامه دموت کم‌تر دیده می‌شود. گاهی، بر بالای نیزه‌ها، پارچه مانند پرچم نصب می‌کردند. یک نوع دیگر نیزه، نیزه نوک قلابی است که بسیار کم به تصویر درآمده است. دو نمونه از آن در نسخه جامع‌التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ دیده می‌شود (تصویر ۵).



تصویر ۵- بخشی از نگاره جنگ میان محمود واسماعیل (پسران سبکتگین)، جامع‌التواریخ (URL4).



تصویر ۷- اردشیر، بهمن را شکست می‌دهد، شاهنامه دموت (Ibid).



تصویر ۶- فریدون، ضحاک را به کوه دماوند می‌برد، شاهنامه دموت (URL9).

را شامل می‌شود. در واقع، دو نوع زره دفاعی مغول وجود داشت: خویاق^۵ سخت و خاتنگکو دهل^۶ نرم. زره سخت دارای ساختار لایه‌ای (تصویر ۱ ج و تصویر ۲ ب) یا ساختاری چندلایه (تصویر ۸) بود. این دو سبک اغلب در یک زره ترکیب می‌شدند (تصاویر ۹-۱۰). نوارها و صفحات زره عمدتاً، از آهن، گاهی از برنز ساخته می‌شدند. پلانوکا پینی^۷ می‌نویسد، در اواسط قرن سیزدهم صفحات از نوارهای ضخیم چرم سه لایه ساخته شده و توسط قیر به هم چسبیده بودند. زره خویاق دو مدل بود؛ اولی، از پهلوها با تسمه بسته می‌شد. برخی نیز شکاف‌ها و قلاب‌هایی روی سینه یا پشت داشتند. این نوع زره از زره‌هایی با حفاظ‌های شانه‌ای و صفحات فلزی ساخته می‌شدند (تصویر ۲ و تصویر ۱۲). حفاظ‌های شانه‌ای به تسمه‌هایی از زره بالاتنه وصل می‌شدند که به صورت لایه‌ای یا از نوارهای آهنی منحنی ساخته شده بودند. حفاظ‌های شانه و زره بالاتنه به‌طور مشابه تولید می‌شدند؛ اما گاهی اوقات، آن‌ها از صفحات مستطیلی بزرگی تشکیل شده و روی پایه چرمی دوخته می‌شدند (تصویر ۱۲). مدل دوم، زره خویاق، شکاف‌هایی در جلو و پشت داشت تا جنگجو بتواند بر اسب بنشیند. این کت از دو نیمه عمودی تشکیل شده بود که با یک درز از پشت به هم وصل شده و با گیره‌ها روی سینه بسته می‌شدند، دامن کت دو صفحه فلزی پهن را ایجاد می‌کرد. زره‌های دیگر خاتنگکو دهل نام دارند که نرم‌تر از خویاق هستند. این زره‌ها از نظر سبک شبیه به کت خویاق بودند و دارای حفاظ‌های برگی شکل بودند. خاتنگکو دهل سبک از چرم نازک، نمد یا پارچه ضخیم با آستر نخی یا مو درست می‌شد و دارای دوخت تزیینی یا ساده بود (تصویر ۲ الف و تصویر ۱۱).

شده است و در نگاره‌های شاهنامه دموت دو فرم شمشیر خمیده دیده می‌شود. در دوره ایلخانی تنها در نگاره‌های آثار الباقیه می‌توان شمشیر ذوالفقار حضرت علی (ع) را مشاهده نمود که دارای تیغ دوسر است و همانند شمشیر صاف از دوش آویخته می‌شود. هم‌چنین، تصویر شمشیر را می‌توان در مراسم دربار، میدان‌های جنگ، نبرد تن‌به‌تن و مبارزه با موجودات افسانه‌ای در دست قهرمانان و صاحبان قدرت و در برخی نگاره‌ها در دستان پیامبر و یارانش دید.

در دوره ایلخانی تنها در دو نسخه جامع التواریخ، چهار فرم منجیق دیده می‌شود که کمی با هم متفاوت هستند. نمای کلی آن‌ها فرم مثلث دارد و بیش‌تر اجزای آن از جنس چوب ساخته شده و در سه نمونه آن، یک دستگیره گردان در قسمت پایین قرار دارد (تصویر ۱ الف).

در نگاره‌های نسخ جامع التواریخ، شش فرم زره و در شاهنامه بزرگ پنج فرم زره به تصویر درآمده است. برخی از این زره‌ها، خراقد است. این نوع زره در نگاره‌های نسخه جامع التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ و مجموعه خلیلی قابل مشاهده است. این پوشش ظاهراً پارچه‌ای را می‌توان در کلاه خودهای این نسخ نیز دید. در نگاره‌های شاهنامه بزرگ بر تن قهرمانان و فرمانروایان زره لایه‌ای مشاهده می‌شود که با رنگ‌های مختلف و با نقوش اسلیمی و گاهی، نقوش بسیار ساده ترسیم شده است. در این نسخ اغلب، زره‌های لایه‌ای بلند هستند که زیر زانورا پوشش می‌دهند. جلو و پشت این زره‌ها چاک‌دار است؛ این امر جنگجو را قادر می‌ساخت تا بر اسب بنشیند. اما نمونه‌هایی از این زره‌های لایه‌ای در شاهنامه بزرگ ترسیم شده که مانند یک کت، تنها قسمت بالاتنه

یک نوع زره خاتنگکو دهل که تحکیم شده دارای یک لایه آهنی از صفحات شش ضلعی کوچک (تصویر ۱۰) با یک سنجاق یا گره محکم در وسط هر شش ضلعی بود که بین دو لایه از مواد نرم قرار می گرفت و دور صفحات دوخته می شد. تمام زره های کامل مغول دارای محافظ های شانه ای بودند؛ که اغلب تا آرنج یا مچ امتداد می یافتند. زره های سخت معمولاً، حفاظ های شانه ای مستطیلی داشتند؛ اما گاهی اوقات، طرحی به شکل برگ در نگاره های این دوره دیده می شود (تصویر ۱۱)؛ نوارهای مستطیل شکل از کمر تا وسط ران یا وسط ساق پا بودند و همانند زره بالاتنه ساخته می شد (Elgood, 1979: 38). همان طور که پیش تر بیان شد تنها فرماندهان بزرگ و افسران عالی رتبه زره زنجیری آهنین یا فولادی داشتند (اشپولر، ۱۳۷۷: ۴۰۸-۴۰۹ و معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۰-۵۲۱). گاهی، سواره نظام ها نیز از زره های فلزی یا زره چرمی استفاده می کردند (معطوفی، ۱۳۸۲: ۵۲۱). به این ترتیب، با توجه به این که زره فرماندهان و افسران عالی رتبه با زره سایر نظامیان تفاوت داشت، می توان گفت، زره نشان از رده نظامی افراد در ارتش ایلخانان بود. علاوه بر این، در دوره ایلخانان، باید نفوذ هنر شرق به هنر ایران را عاملی برای نزدیکی و تاثر از هنر چین دانست (علیخانی، اکبری و نژاد ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۵۹). در اسلحه سازی نیز تاثیر هنر چین روی نقوش برخی از ادوات جنگی این دوره قابل مشاهده است. روی زره برخی نظامیان در جامع التواریخ نقش ابر دیده می شود که این نقش را می توان متأثر از هنر چین دانست. هم چنین، در نگاره ای از جامع التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ و شاهنامه دموت، قهرمان داستان (رستم و...) زره ای مانند پوست پلنگ بر تن دارند^۸. در نگاره ای از منافع الحيوان ابن بختیشوع علاوه بر تصویر زره می توان زانوبند، ساق بند را نیز مشاهده نمود که در سایر نسخ این دوره دیده نمی شود. بر اساس نگاره های این دوره، در میدان های نبرد مبارزات تن به تن و مبارزه با موجودات افسانه ای بر تن افراد زره را می توان مشاهده کرد. برخی از زره دارای نقوش هندسی، گیاهی و اسلیمی هستند.



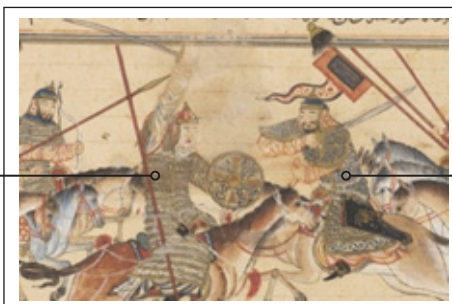
تصویر ۸ - جنگجویان سواره در تعقیب دشمنان (URL9).

(Elgood, 1979: 56)



تصویر ۹ - نبرد پانداواس و کاراواس، جامع التواریخ (URL6).

(URL5)



تصویر ۱۰ - بخشی از نگاره مبارزه محمود (پسر سبکتگین) و ابوعلی، جامع التواریخ (URL4).



(Elgood, 1979: 57)

تصویر ۱۱- بخشی از نگاره فتح هند توسط محمود، جامع التواریخ (URL4).



تصویر ۱۲- بخشی از نگاره فریدون پسرانش را می‌آزماید، شاهنامه بزرگ ایلخانی (URL8).



تصویر ۱۳- بخشی از نگاره زن‌سوار بر گاری مورد حمله اژدها قرار می‌گیرد، منافع الحيوان (URL3).



(Ibid: 57)



(Ibid: 56)



(Elgood, 1979: 58)

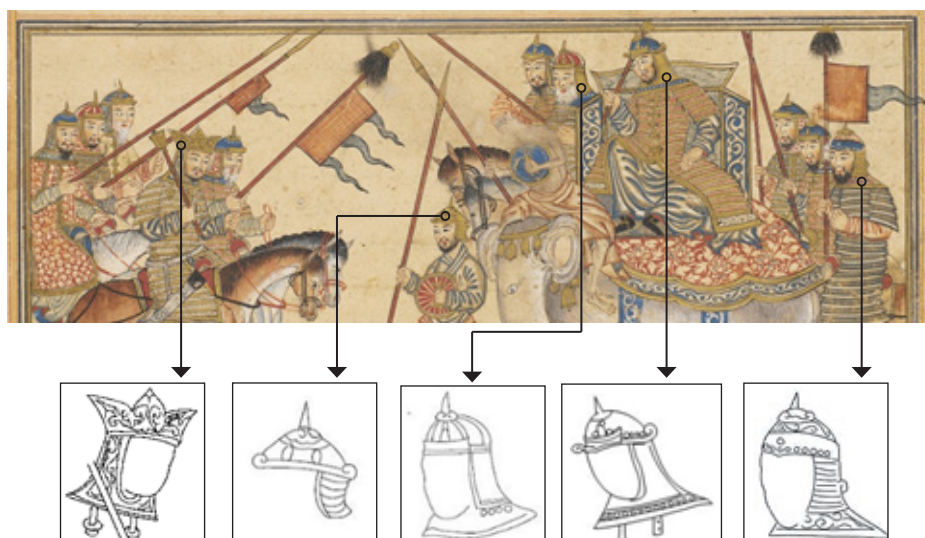
(تصویر ۱۱) و پنبه لحافی بالبه‌های به سمت پایین و به شکل تزیینی داشتند. (Elgood, 1979: 40) گردی محافظ‌گوش در کلاه خود را می‌توان در این دوره و در نگاره‌های شاهنامه مشاهده نمود. در واقع، اکثر کلاه‌خودهای این دوره دارای سرنوک تیز همراه با قطعات محافظ‌گوش هستند. در منافع‌الحيوان نیز تنها یک فرم کلاه خود ترسیم شده است (تصویر ۱۳). جنگجویان عالی‌رتبه، کلاه خودی از چرم یا آهن بر سر داشتند (هال، ۱۳۸۵: ۵۰). در برخی نگاره‌های جامع‌التواریخ فرم و تزیین کلاه خود فرماندهان تفاوت‌هایی با سایر سپاهیان و افراد دارد (تصویر ۱۴). از این‌رو، کلاه‌خودهای ترسیم‌شده در نسخ این دوره جایگاه نظامی افراد را نشان می‌دهند. لازم به ذکر است، بخش‌های کلاه‌خودهای مغولی چهار قسمتی غالباً، با صفحات گرد کوچک تزیین شده‌اند (تصویر ۱۲). بخش‌های کلاه‌خود گاهی، روی هم قرار می‌دادند و به هم می‌چسباندند (تصویر ۱۰)؛ اما

کلاه‌خودهای به تصویر درآمده در نگاره‌های جامع‌التواریخ و شاهنامه بزرگ ایلخانی در فرم و رنگ نقوش با هم متفاوت هستند. در نسخ جامع‌التواریخ مورد مطالعه، بیست و پنج فرم کلاه خود بر سر نظامیان ترسیم شده است. تنوع کلاه‌خودها در شاهنامه بزرگ به چهارده فرم می‌رسد. در نسخ جامع‌التواریخ پوشش‌گوش برخی از این کلاه‌خودها دارای نقوشی مانند زره نظامیان است و پوششی ظاهراً، پارچه‌ای دارند و برخی نیز لایه‌ای هستند. در شاهنامه بزرگ این کلاه‌خودها بدون نقش و یا با نقوش ساده ترسیم شده‌اند. هم‌چنین، برخی کلاه‌خودها مانند زره، لایه‌ای هستند و در برخی روی نوک کلاه خود، دسته‌ای موقر قرار دارد. به نظر می‌رسد در برخی نگاره‌های جامع‌التواریخ و شاهنامه دموت، قسمت پایینی کلاه‌خودها چرمی ترسیم شده است. در واقع، کلاه‌خودها حفاظ‌های گردنی از چرم صاف و رنگ‌آمیزی (تصویر ۱۰)، پارچه یا نم

اغلب آن‌ها را به چارچوبی از نوارها می‌چسبانند که پایین‌ترین دایره آن لبه کلاه را تشکیل می‌داد. این نوارها با عرض‌های مختلف تقریباً همیشه در طراحی کلاه خود مغول گنجانده شده بودند. لبه‌ها گاهی، اوقات دارای قوس‌هایی بر روی چشم بودند که این امر، طبق سنت قدیمی آسیای مرکزی و خاور دور بود. (Elgood, 1979: 40) این امر در نگاره‌های به تصویر درآمده دوره ایلخانان نیز مشاهده می‌شود. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ میلادی، سبک اصلی کلاه خود ایرانی-مغولی به وجود آمد که شامل یک نوار لبه پهن و یک کلاهک (برآمدگی) یک تکه یا یک کلاهک چهار یا چند قسمتی که به هم می‌خکوب شده بود. گاهی اوقات، یک میله مخروط نوک‌تیز نیز شامل می‌شد. هم‌چنین، این کلاه‌ها گاهی، مانند کلاه‌های کاملاً مغولی دارای حفاظ‌های گردن مغولی چندلایه با گلوهای پوشیده و صورت‌های پوشیده با سوراخ چشم بودند. دو کلاه خود از دوره ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ میلادی که در موزه توپ‌قاپوسرای استانبول است، به احتمال بسیار، متعلق به سنت ایران و مغول است و احتمالاً، قدیمی‌ترین کلاه خود ایرانی باقی‌مانده از دوره اسلامی است. کلاه خودهای ایران از اواخر قرن سیزدهم دارای شیارهای عمودی با لبه پایینی گرد پهن هستند (تصاویر ۱۲-۱۳) (Elgood, 1979: 40). در نسخ دوره ایلخانی دو فرم سپر مشاهده شده است. در نسخ جامع‌التواریخ، شاهنامه بزرگ و

منافع‌الحيوان سپرها به فرم گرد و کمی محدب ترسیم شده‌اند. سپرهای این دوره اغلب، بدون نقش یا با نقوش ساده مانند نقوش هندسی، اسلیمی، حیوانی و گیاهی تزیین شده‌اند (تصاویر ۱۰-۱۱) و تنها در یک نمونه در نسخه جامع‌التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ (تصویر ۱۵) و یک نمونه نیز در نسخه جامع‌التواریخ محفوظ در مجموعه دیز (دیتس) (تصویر ۱۶)، سپری به فرم اشک (بادبادک) دیده می‌شوند که با نقوش شیر، گیاهی و اسلیمی مزین شده‌اند. در دوره ایلخانان سپرهای کوچک و بزرگ وجود داشتند. برای ساخت این سپرها و سپرهای بادبادکی، برگ‌های آهنی را با یک گل‌میخ مرکزی و یک لبه ساختگی روی هم قرار می‌دادند. در اواخر قرن سیزدهم، یک سپر کوچک گرد از چرم یا فلز با چهار گل‌میخ برآمده به وجود آمد. سبکی که تا قرن نوزدهم ادامه داشت (تصویر ۱۳) (Elgood, 1979: 36) در دوره مغول، سپرهای فلزی و چرم-فلزی ایرانی رُزت^۹ به‌طور گسترده در ایران استفاده می‌شد. سپرهای کوچک مغول با حکاکی تزیینی و هم‌چنین، سپرهای بزرگ‌تر احتمالاً، با طرح برجسته مورد استفاده بوده که در نگاره‌ها مشهود است (Ibid: 41).

تصویر ۱۴- بخشی از نگاره محمود بن سبکتگین، ایاق خان را شکست می‌دهد، جامع‌التواریخ. (URL4)





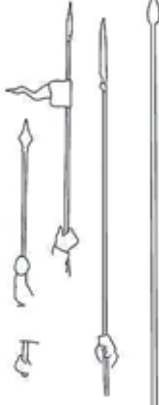






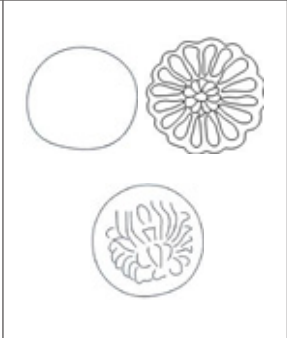

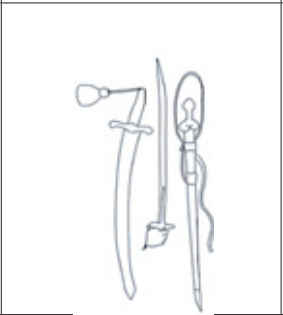


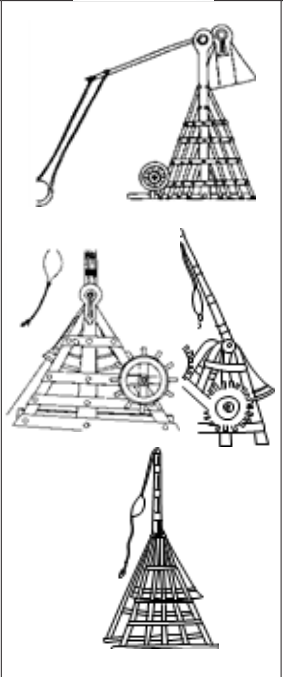
تصویر ۱۵- اسکندر قلمروی خود را نواحی شمالی پوشیده از مه توسعه داد، جامع التواریخ (URL4)

در تصویر ۱۵، اسکندر یک زره مغولی بر تن دارد و کلاه خودی که بسیار استادانه درست شده بر سر گذاشته است. پیروان او دارای پوششی تقریباً، مشابه هستند و شمشیری از نوع سابر را روی شانه‌های خود قرار داده‌اند. روی سپر یکی از آنان نقش شیری وجود دارد و دور سپر نوار فلزی دربر گرفته که به هنر ساسانیان برمی‌گردد (Tabot Rice & Gary, 1976: 38). هم‌چنین، اسکندر گریزی از نوع پره‌دار را بالای سرش نگه داشته است.

جدول ۱. فرم و تزیین ادوات جنگی در دوره ایلخانی بر اساس نگاره‌ها (نگارندگان).

فرم، تزیین و کاربرد	آثار الباقیه	منافع حیوان	شاهنامه دموت	جامع التواریخ	سلاح
ده فرم تیر و چهار فرم کمان در نگاره‌های نسخ مورد مطالعه مشاهده شد. هم‌چنین، در نگاره‌های جامع التواریخ سه نمونه فرم تیردان، در نگاره‌های شاهنامه دموت چهار نمونه فرم تیردان شناسایی شده که با نقوش حیوانی، گیاهی و خطوط منحنی به شکل موج دریا تزیین شده‌اند که در میدان‌های جنگ، مراسم دربارگاهی به‌عنوان هدیه به شاه یا خان استفاده می‌شدند.					تیر و کمان و تیردان
دوازده فرم نیزه در نگاره‌های نسخ جامع التواریخ و شاهنامه دموت ترسیم شده‌اند. این نیزه‌ها در دربار و میدان‌های جنگ استفاده می‌شدند.					نیزه

<p>بیست و دو نمونه فرم گرز در نگاره‌های نسخ جامع التواریخ و شاهنامه دموت ترسیم شده‌اند که در میدان‌های نبرد، شکار و مراسم دربار به کار می‌رفت.</p>					<p>گرز</p>
<p>شش فرم زره در جامع التواریخ، پنج فرم در شاهنامه بزرگ و یک فرم در منافع الحيوان شناسایی شده که در میدان‌های نبرد، مبارزات تن‌به‌تن و مبارزه با موجودات افسانه‌ای به کار می‌رفت. برخی از زره‌ها ساده و برخی دارای نقوش هندسی، گیاهی، اسلیمی و نقش ابر تزیین شده بودند.</p>					<p>زره</p>
<p>بیست و پنج فرم کلاه‌خود در جامع التواریخ، چهارده فرم کلاه‌خود در شاهنامه دموت و یک نمونه فرم کلاه‌خود در منافع الحيوان شناسایی شده است. این کلاه‌خودها بدون نقوش و یا با نقوش ساده تزیین شده‌اند که در میدان‌های نبرد و مبارزات تن‌به‌تن استفاده می‌شد.</p>					<p>کلاه‌خود</p>

<p>شمیر</p>				<p>دو نمونه فرم سپر در این نسخ مشاهده شده است که اغلب، بدون نقش یا با نقوش ساده مانند نقوش هندسی، اسلیمی، حیوانی و گیاهی تزیین شده‌اند.</p>
<p>شمشیر</p>				<p>سه نوع فرم شمشیر شناسایی شده که در مراسم دربار، نبرد تن‌به‌تن و میدان‌های جنگ به کار می‌رفت.</p>
<p>منجنیق</p>				<p>تنها در نگاره‌های جامع‌التواریخ چهار نمونه منجنیق مشاهده شده است که در میدان‌های جنگ به کار می‌رفت.</p>

همان‌که در جدول ۱، مشاهده می‌شود، بیش‌ترین فراوانی ادوات جنگی در دوره ایلخانی متعلق به کلاه‌خود و گرز است. علاوه بر این، تیر و کمان، گرز، و نیزه جزو ابزارهای اصلی سرد و هجومی بودند که در بیش‌تر نسخه‌های خطی دوره ایلخانی دیده می‌شود. هم‌چنین، این گسترده‌گی، تنوع و تغییرات فرم ادوات جنگی دوره ایلخانی بیش‌تر در نگاره‌های جامع‌التواریخ، شاهنامه دموت نمود یافته است و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در فرم هر یک از ادوات جنگی مورد استفاده در میان نسخ خطی وجود

دارد. این امر حتی در نسخه‌های جامع‌التواریخ نیز مشاهده می‌شود و با وجود این‌که تمامی نسخه‌های جامع‌التواریخ در ربع رشیدی و زیر نظر رشیدالدین فضل‌الله همدانی انجام گرفته است، با این حال، در نسخه‌های جامع‌التواریخ تفاوت‌هایی در فرم و نقوش روی ادوات جنگی وجود دارد که این امر را می‌توان به این دلیل دانست که در ربع رشیدی نقاشان مختلف، با مذهب‌های مختلف در فواصل زمانی این نسخه‌ها را به تصویر درآورده‌اند. هم‌چنین، سلاح‌سازان نیز سعی داشتند به منظور بهبود کارایی ادوات جنگی

فرم آن‌ها را تغییر دهند. از این رو، نقاشان نیز فرم‌های متنوعی از سلاح‌ها را ترسیم کرده‌اند. ادوات جنگی به تصویر درآمده در دو نسخه جامع التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ و مجموعه خلیلی از نظر فرم بسیار شبیه به هم ترسیم شده‌اند. این شباهت‌ها را بیش‌تر می‌توان در تیر و کمان، تیردان، نیزه، زره و سپر مشاهده نمود. این در حالی است که نسخه جامع التواریخ محفوظ در موزه توپقاپی سرا در فرم برخی از ادوات جنگی متفاوت با دو نسخه دیگر به تصویر درآمده است و در این نسخه در دست سران و فرماندهان گرز با فرم‌های مختلف، بسیار به چشم می‌خورد. بیش‌ترین شباهت میان ادوات جنگی در نگاره‌های دوره ایلخانی از نظر فرم را می‌توان در فرم کیسه کمان، سپر و زره لایه‌ای دانست و بیش‌ترین تفاوت را می‌توان در فرم گرز و کلاه خود مشاهده نمود. هم‌چنین، در دو نگاره منافع‌الحيوان مصور شده در دوره ایلخانی تصویر ساق‌بند و زانوبند دیده می‌شود؛ در حالی که در سایر نگاره‌های این دوره دیده نشده است. برخی از جنگ‌افزارها دارای نقوش اسلیمی، هندسی، گیاهی و حیوانی است و این نقوش در بردارنده مضمون خاصی نیستند. نقوش به‌کار رفته روی ادوات جنگی دوره ایلخانی بیش‌تر به جهت تزیین و گاهی، متأثر از هنر چین و ایران است. این نقوش در جامع التواریخ با شکل‌های ساده، خطوط منحنی و گاهی نیز نقوش حیوانی مشاهده می‌شود. تنوع نقوش نامبرده شده در شاهنامه دموت به‌خصوص روی تیردان‌ها بیش‌تر و ظریف‌تر نمایان شده است.

نتیجه‌گیری

در دوره ایلخانان، مجموعه‌ای از انواع شمشیر، گرز، نیزه، تیر و کمان، سپر دفاعی، زره، کلاه‌خود و منجنیق در طی لشکرکشی در میدان‌های کارزار مورد استفاده قرار گرفته‌اند که به جز گرز با سر حیوان سایر ادوات، کاربرد نظامی داشتند.

شواهد نشان می‌دهد که تیر و کمان از جمله ابزارهای جنگی پرکاربرد در این دوره بوده که بیش‌ترین فراوانی آن در کتاب جامع التواریخ و شاهنامه دموت است و در نسخه‌های خطی دیگر بر جای مانده از آن دوره

کم‌تر دیده می‌شود. کمان‌های ترسیمی در این نسخ، مشابه هم می‌باشند و فقط در کتاب منافع‌الحيوان از کمان متفاوت استفاده شده است. تیرها در درون تیردان‌های منقوش به نقش مایه‌های حیوانی و گیاهی حمل می‌شدند. پس از تیر و کمان، بیش‌ترین فراوانی متعلق به گرزهای جنگی است که بیش‌ترین تعداد آن‌ها در شاهنامه دموت و نسخ جامع التواریخ است. تفاوت آن‌ها در مقطع عرضی گرزها است که به شکل‌های چندوجهی، پره‌دار، کروی و گرزهایی به شکل سر حیوان هستند. گرزهای پره‌دار، گرد و چندوجهی کاربرد نظامی دارند؛ در حالی که، گرزهایی که به سر حیوانی ختم می‌شود، بیش‌تر شبیه گرزهای زینتی هستند. در منافع‌الحيوان و آثار الباقیه تصویر گرز دیده نمی‌شود. پس از دو نمونه ابزار جنگی ذکر شده بیش‌ترین فزونی متعلق به نیزه‌ها است. در نسخه‌های جامع التواریخ و شاهنامه دموت تصویر نیزه به چشم می‌خورد؛ ولی در نسخه‌های دیگر این ابزار وجود ندارد. سر نیزه‌ها بدون پره، به صورت کوتاه و بلند به یک دسته بلند چوبی وصل شده‌اند و گاه، بر قسمت فوقانی آن‌ها علمی کوچک نصب شده است. در تمام نسخه‌های مورد بررسی شمشیر به چشم می‌خورد؛ ولی نسبت به سایر ابزار جنگی، کم‌تر دیده می‌شود. شمشیرهای ترسیمی دارای تیغه‌های نازک و خمیده‌ای هستند و در داخل غلافی مزین قرار می‌گرفتند. این امر به سبک جنگی ایلخانان برمی‌گردد. چرا که ایلخانان سوارکاران ماهری بودند که ارتش آن‌ها را سواره‌نظام‌هایی با تیر و کمان تشکیل می‌دادند و از روی اسب تیراندازی می‌کردند. هم‌چنین، پیاده‌نظام‌ها نیز به ابزارهای جنگی مثل نیزه مجهز بودند؛ بر همین اساس، یکی از بیش‌ترین حجم ابزار آلات متعلق به این دو گونه است. حضور گرز نیز به سبب اهمیت و جنبه نمادین آن است؛ چرا که گرز در تمامی منابع ادبی و هم‌چنین، منابع مصور نماد قدرت و دلاوری است. در مورد تجهیزات نظامی، بیش‌ترین فراوانی متعلق به کلاه‌خودها است، که به‌غیر از پوشش سر، دارای آویزه‌ای جهت محافظت از گردن می‌باشند. اکثر کلاه‌خودهای نسخ، در بالا دارای یک زائده شاخ‌مانند هستند که گاه، قسمت انتهایی آن‌ها به یک روبان پارچه‌ای و یا دسته‌ای موختم

شده‌اند. کلاه خودهای ترسیم شده جایگاه نظامی افراد را نشان می‌دهند. به عبارتی کلاه خودهای فرماندهان، سربازان و قهرمانان متمایزکننده هستند. سپرهای ترسیمی در این نسخه خطی، سپرهای گرد و دایره‌ای شکل هستند که قابل حمل بوده و گاه، سطح رویی آن‌ها با نقش مایه‌های هندسی، اسلیمی، گیاهی و حیوانی مزین شده است؛ و تنها یک نمونه سپر در نسخه جامع التواریخ محفوظ در دانشگاه ادینبورگ و یک نمونه نیز در نسخه جامع التواریخ محفوظ در مجموعه دیز (دیتس)، سپری به شکل اشک (بادبادک) با نقش شیر، نقوش گیاهی و اسلیمی مشاهده شده است. اکثر زره‌های جنگی ترسیمی، زره‌هایی هستند تمام قد و به صورت لایه‌ای تمامی سطح بدن را پوشش داده‌اند. ولی در نگاره‌های شاهنامه دموت و آثار الباقیه زره‌های جنگی به صورت نیم تنه می‌باشند و به نظر می‌رسد لایه‌ای، پارچه‌ای (خراند) و یا چرمی هستند. زره‌های این دوره نشان از جایگاه نظامی افراد دارد. از جمله ادوات جنگی دیگر منجنیق است که چهار فرم آن در جامع التواریخ و در محاصره شهر توسط ایلخانان تصویر شده است. فرم و تزیین ادوات جنگی دوره ایلخانانی در جدول ۱، قابل مشاهده است.

پی‌نوشت

۱. قانون یاسای چنگیزی، مجموعه‌ای از احکام درباره کیفیت نظام کشوری، لشکری، قوانین لشکرکشی، فتح بلاد، تشکیل قوریلتهای (مجلس مشاوره یا شورا)ها و انواع پاداش‌ها، مجازات‌ها و شرایط هر یک، آداب زندگی، قوانین مربوط به آن، قواعد شکار و جز آن شامل می‌شود (حسینی کارزونی، ۱۳۷۹: ۵۱۲).
 ۲. این نوع زیرپیراهن از چین هاگرفته شده بود. اگر تیری زره جنگجورا سوراخ می‌کرد، این زیرپیراهن ابریشمی به او کمک می‌کرد. زیرا تیر، از ابریشم بافته شده عبور نمی‌کند. بلکه آن را به داخل زخم می‌کشد و به این ترتیب، جنگجوی دیگر باکشیدن آهسته ابریشم دور زخم پیکان را از زخم بیرون می‌آورد. در غیر این صورت بیرون آوردن پیکان فرورفته در گوشت باعث بزرگ تر شدن زخم می‌شود (هال، ۱۳۸۵: ۵۰).
 ۳. Billhook.
 ۴. ترکان تیغه‌های فولاد آبدیده را قلیچ می‌گفتند (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۳۰).
۵. khuyagh.

۶. خانتنگو دهل (khatangku dehel)، به معنای کتی به سختی فولاد.
۷. Plano Carpini.
۸. زره پوست پلنگ در جدول ۱، قرار نگرفته است.
۹. Rosette.

منابع

- آژند، یعقوب (۱۳۸۹). *نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران) (جلد ۱)*، تهران: سمت.
- آلکساندر، دیوید (۱۳۸۷). *ابزار آلات جنگ*، ترجمه غلامحسین علی مازندرانی، تهران: کارنگ.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷). *تاریخ مغول در ایران (سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان)*، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- بیانی، سوسن (۱۳۷۹). *تبلور عهد مغول در آیین فلز، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی: هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن (جلد ۱)*، ویراستار ولی وهاب، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پازوکی طرودی، ناصر (۱۳۷۶). *استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- اپهام پوپ، آرتور واکرمن، فیلیپس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز) (جلد ۶)*، ترجمه نجف دریابندی و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.
- جونز، گرت (۱۳۹۴). *دایره المعارف مصور تاریخ جنگ و جنگ افزار*، ترجمه الهام شوشتری زاده، تهران: سایان.
- جوینی، علاءالدین عطاملک محمد (۱۳۸۸). *تاریخ جهانگشا*، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- حسینیراد، عبدالمجید (۱۳۸۴). *شاهکار نگارگری ایران*، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران و موسسه هنرهای تجسمی.
- حسینی کارزونی، سیداحمد (۱۳۷۹). *چنگیزخان در آیین دوران، مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی: هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن (جلد ۱)*، ویراستار ولی وهاب، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دشتگل، هلناشین (۱۳۸۹). *معراج نگاری نسخه های خطی تانقاشی های مردمی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- علیخانی، پریسا؛ اکبری، فاطمه و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۹۶). *مطالعه تطبیقی پرندگان اسطوره‌ای در ایران و تمدن های مجاور؛ مطالعه موردی: سیمرغ و عنقا، جلوه هنر، دوره ۱۰، شماره ۲، ۵۵-۶۶.*
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۴). *تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند.
- فضل‌الله‌همدانی، رشیدالدین (۱۳۷۴). *جامع التواریخ*، تهران: اقبال.
- گابریل، آلفونس (۱۳۸۱). *مارکو پولو در ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: اساطیر.
- معطوفی، اسلته (۱۳۸۲). *تاریخ چهار هزار ساله ارتش ایران*:

- of Iran and its consequences*, Volume 1, Tehran: Shahid Beheshti University Publications. (Text in Persian).
- Hosseini Rad, A., (2005). *Iranian painting masterpiece*, first edition. Tehran: Tehran Museum of Contemporary Arts and Institute of Visual Arts. (Text in Persian).
- Hull, M., (2007). *The Mongol Empire*, translated by Nader MirSaeedi, Tehran: Qoqnos. (Text in Persian).
- Kennedy, H., (2002). *Mongols, Huns and Vikings Nomads at War*, London WC2R 0BB.
- Jones, G., (2016). *The Military History Book*, translated by Elham Shushtrizadeh, Tehran: Sayan Publications. (Text in Persian).
- Joyni, A., (2010). *Tarikh Jahangosh*, proofread by Mohammad Qazvini, Tehran: Negah Publications Institute. (Text in Persian).
- Matofi, A., (2004). *The four thousand year history of the Iranian army: war and warfare on the Iranian plateau from the civilization of Elam to 1320 AD*, volume 1, Tehran: Iman Publishing. (Text in Persian).
- Mirkhand, M., (2002). *The history of Rouzah al-Safa fi Sirat al-Anbiya 'wa al-Muluk wa al-Khulafa*, corrected by Jamshid Kiyafar, volume 5, Tehran: Asatir. (Text in Persian).
- Morgan, D., (2011). *The Mongols*, translated by Abbas Mokhbar, Tehran: Markaz publication. (Text in Persian).
- Noormohammadi Najafabadi, M., Bayatloo, H., (2015). Various catapults of the Islamic periods based on their mechanism, structure, function and type of projectile combat, *Journal of Historical Studies of Islam*, 6(20), 167-206. (Text in Persian).
- Pazooki Totudi, N., (1998). *Iranian Islamic Period defensive fortification*, Tehran: Organization of Cultural Heritage of the country. (Text in Persian).
- Pope, A., Ackerman, P., (2009). *A Survey of Persian Art (from Prehistoric Times to the Present)*, volume 6, translated by Najaf Daryabandi and others, Tehran: Scientific and Cultural Publications. (Text in Persian).
- Spuler, B., (1999). *The Mongols in Iran: Politics, Government and Culture of the Ilkhani Period 1220 - 1350*, translated by Mahmoud Mir Aftab, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (Text in Persian).
- Tabot Rice, D., Gray, B., (1976). *The Illustration to the word history of Rashid al- Din*, United States: Edinburgh University Press.

URLs

- URL1. <https://britishmuseum.org/collection/search?keyword=194812111025>, date access: 12/9/98.
- URL2. <https://collection.dma.org/artwork/5341934>, date access: 12/9/98.
- URL3. <https://ica.themorgan.org/manuscript/page/18/77363>, date access: 12/9/98.
- URL4. <https://images.is.ed.ac.uk/luna/servlet/view>, date access: 22/3/98.

- جنگ و جنگاوری بر فلات ایران از تمدن ایلام تا ۱۳۲۰ خورشیدی (جلد ۱)، تهران: ایمان.
- مورگان، دیوید (۱۳۸۹). *مغول‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (میرخواند) (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوك و الخلفا (جلد ۵)*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- نورمحمدی نجف‌آبادی، محمد و بیاتلو، حسین (۱۳۹۳). انواع منجیق‌های دوره اسلامی بر اساس ساز و کار، ساختار، کارکرد و نوع پرتابه‌های جنگی، *مطالعات تاریخ اسلامی*، سال ششم، شماره ۲۰، ۱۶۷-۲۰۶.
- هال، جمیز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، تهران: فرهنگ معاصر.
- هال، مری (۱۳۸۵). *امپراتوری مغول*، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.

References

- Azhand, Y., (2010). *A Research on Persian Painting and Miniature (Volume 1)*, first edition, Tehran: Organization for the study and compilation of humanities books of universities (Samt). (Text in Persian).
- Alexander, D., (2009). *The arts of war*, translated by Gholamhossein Ali Mazandarani, (1nd ed), Tehran: Karang. (Text in Persian).
- Alikhani, P., Akbari, F., Nejadabrahimi, A., (2018). A Comparative Study of Mythical Birds in Iran and Neighboring Civilizations, Case Study: Senmurw & Phoenix, *Glory of Art (Jelve-y Honar)*, 10(2): 55-66. (Text in Persian).
- Bayani, S., others (2001). Crystallization of the Mongol era in the metal mirror, *Collection of articles of the first historical seminar on the Mongol invasion of Iran and its consequences*, Volume 1, Tehran: Shahid Beheshti University Publications. (Text in Persian).
- Dashtgel, H., (2010). *Elevation of manuscripts to folk paintings*, first edition, Tehran: Scientific and Cultural. (Text in Persian).
- Elgood, R., (1979), *Islamic Arms and Armour*, London, scholar press.
- Fazlallah Hamdani, R., (1996). *Jame al-Tawarikh*, Tehran: Iqbal. (Text in Persian).
- Gabril, A., (2003). *Marco Polo in Persien*, translated by Parviz Rajabi, Tehran: Asatir. (Text in Persian).
- Ghaibi, M., (2006). *The history of the clothes of Iranian peoples*, Tehran: Hirmand. (Text in Persian).
- Hall, J., (2002). *Illustrated dictionary of symbols in Eastern and Western art*, Tehran: Farhang Moaser. (Text in Persian).
- Hosseini Kazeroni, S., others (2001). Genghis Khan in the mirror of the era, *Collection of articles of the first historical seminar on the Mongol invasion*

URL5. <https://iranicaonline.org/articles/armor>(Encyclopaedia Iranica), date access: 12/9/98.

URL6. <https://khalilicollections.org/collections/islamic-art/khalili-collection-islamic-art-the-jami-al-tawarikh-of-rashid-al-din-mss727-folio-25a/>, date access: 12/9/98.

URL7. <http://strategwar.ru/military-history/mongolskaya>, date access: 12/9/98.

URL8. http://warfare.6te.net/Persia/14/Great_Mongol_Shahnama-Faridun_tests_his_sons-Chester_Beatty_Per_1112-1g.htm(Great mongol(Demotte) shahnama), date access: 10/9/98.

URL9. http://warfar.tk/Persia/14/great_mongol_shahnama-tabriz-persian(Great mongol (Demotte) shahnama), date access: 10/9/98.

Retrieving the Shape of War Equipments of the Ilkhani Era, Based on the Pictures of the Historical Sources of the Period ¹

Mehdi Kazempour²

Somayeh Zadamiri³

Received: 2022-09-08

Accepted: 2023-01-09

Abstract

The expansion of territory and defense of the existing territories has been one of significant importance to the rulers throughout history, therefore, equipping the military and designing new war equipment was a constant devour for all power institutions. In fact, the construction of war equipments for the purpose of defense, consolidation and expansion of the ruling power has always been the concern of said institutions in different ages.

Ilkhans have also needed to build military equipment such as various types of armors and weapons to ensure their authority inside and outside their territory. They needed efficient weapons to show their glory and expand their territory and maintain their power. Therefore, skilled weapon makers were hired. Meanwhile, the attention of Iranian painters has recorded the history and details of war scenes and weapons used. Weapons and war equipments from the Ilkhani period are very rare and have artistic features.

Today, despite archeological excavations in Ilkhani sites, not much information has been obtained about these equipment. In the meantime, paintings of the Ilkhani period, due to dealing with battle scenes, are considered as suitable sources to know about the types of war equipments of this period. In other words, the paintings left from the Ilkhani period are pictorial documents that provide us with an image of the war equipments popular in that era. In fact, the realism of paintings in the Ilkhani period compared

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.41696.1851

2-Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran, Corresponding Author.

Email: M.kazempour@tabriziau.ac.ir

3-MA., Department of Islamic Arts, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Email: S.zadamiri@tabriziau.ac.ir

to other periods of Iranian painting makes it possible to rely on them in order to gain insight about the shape of weapons and to reconstruct the weapons of the Ilkhani period. In addition, writers such as Rashid al-Din Fazlallah Hamdani have recorded the culture of the Ilkhans in Jame al-Tawarikh manuscript in the order of history. The pictures in Jame al-Tawarikh provide us with the details of the life of the Ilkhans. Also, travelers like Marco Polo and Ibn Battuta, who saw the court of Ilkhans and recorded their observations, are considered valuable sources.

The present research is to study and analyze the paintings of the Ilkhani period, historical books, texts and travelogues, not only to study the types of war equipment used in this period, but also to present a scheme of them for further familiarization. The purpose of this article is to examine the form, decoration and use of the weapons of the Ilkhani period. In this regard, the present study is a historical, descriptive, and analytical research, and based on manuscripts and written historical sources, aims to answer the question of what kind of war equipments were used in the Ilkhani period? What form and decorations these war equipments had? If the forms and patterns of the war equipment in this period, indicate the military rank of the owner? And if these equipments had a military use or they were just ornamental?

The findings of this research show that during the Ilkhanate era, a variety of swords, maces, spears, bows and arrows, defensive shields, armors, helmets and catapults were used during campaigns in the fields of war, and that except for maces with animal heads, other equipments had military use. The evidence shows that arrows and bows were among the most used war equipments in this period, the most frequent of which are in the book Jame al-Tawarikh and Demot's Shahnameh, and it is less common in other manuscripts left from that period. The drawing bows in this manuscript are similar, and only in the book of the Manafe al-Heyvan, a different bow is used. The arrows were carried inside the slings decorated with animal and plant motifs.

According to the paintings of this period, in addition to military use and hunting and court ceremonies use, bows and arrows were sometimes used as gifts to the Emperor or Khan. After the bow and arrow, the most abundant are the war maces, which are the most numerous in Demotte Shahnameh and manuscripts Jame al-Tavarikh. Their difference is in the cross-section of the maces, which are multifaceted, winged, spherical, and maces in the shape of animal heads. Winged, round and multifaceted maces are used for military purposes, whereas, maces in the shape of animal heads are more like ornamental maces. This variety of mace in the paintings shows the importance of this war equipment among heroes and powerful people. In the paintings of this period, the mace can be seen in the hands of kings, officials, warriors and heroes in battlefields, hunting, court ceremonies and hand-to-hand combat. The image of a mace is not seen in Manafe al-Heyvan and Al-Athar Al-Bakiyah.

Spears come third in popularity. The image of a spear can be seen in the manuscripts of Jame al-Tawarikh and Demotte Shahnameh, but is not present in other manuscripts. Bayonets without blades, short and long, are connected to a long wooden handle, and sometimes a small flag is installed on their upper part.

The sword can be seen in all the examined manuscripts, but with less focus compared oth-

er equipments. The depicted swords have thin and curved blades and were placed inside a decorated scabbard. This goes back to the fighting style of the Ilkhans, because the Ilkhans were skilled horsemen whose army consisted of cavalry with bows and arrows who aimed shot atop horses. Also, the infantry were mostly equipped with war equipments such as spears, therefore, one of the largest volumes of equipments belongs to these two types. The image of the sword can be seen in court ceremonies, battlefields, hand-to-hand combat and fighting with legendary creatures in the hands of heroes and officials, and in some paintings in the hands of the Prophet and his companions.

In terms of military equipment, the most abundant are helmets, which, in addition to covering the head, have a hanger to protect the neck. Most of the manuscripts helmets have a horn-like appendage at the top, which sometimes ends with a cloth ribbon or a bunch of hair. The drawn helmets show the military position of the people, in other words, the helmets of commanders, soldiers and heroes are distinctive. The shields depicted in this manuscript are round and circular, they look easily portable and sometimes their surface is decorated with geometric, eslimi, plant, and animal motifs. Only one example of a shield in Jama al-Tawarikh manuscript is preserved in the University of Edinburgh and one example in Jama al-Tawarikh manuscript is preserved in the Diz collection, a shield in the form of a teardrop (kite) with lion motifs, plant and eslimi motifs, has been observed.

Most of the depicted battle armors are full-length armors that cover the entire body in layers. But in the paintings of Demotte Shahnameh and Al-Athar Al-Bakiyah, the battle armors are half-length, layered, and made from cloth or leather. The armor of this period also shows the military position of the individuals. another war equipment worth mentioning from that period is the catapult, whose four forms are depicted in Jamia al-Tawarikh and during the siege of the city by Ilkhans.

The greatest abundance, diversity and changes in the form of war equipments of the Ilkhani period are shown in the pictures of Jame al-Tawarikh, Demotte Shahnameh, and there are similarities and differences in the form of each of the war equipment used among the manuscripts. This can be seen even in Jama al-Tawarikh manuscripts and even though all the manuscripts of Jama al-Tawarikh were done in Rab Rashidi and under the supervision of Rashid al-Din Fazlallah Hamdani, however, there are differences in the form on war equipment in Jama al-Tawarikh manuscripts.

The equipment depicted in the two manuscripts of Jamia al-Tawarikh preserved in the University of Edinburgh and the Khalili collection are drawn very similar in form. These similarities can be seen more in bow and arrow, archer, spear, armor and shield. Meanwhile, the manuscript of Jame al-Tawarikh preserved in the Topkapisera Museum is depicted in the form of some war equipments different from the other two manuscripts, and in this manuscript, maces in the hands of leaders and commanders with different forms are very noticeable.

In terms of form, the greatest similarity between war equipments in the paintings of the Ilkhani period can be seen in the form of bow bag, shield and layered armor, and the greatest difference can be seen in the form of mace and helmet. The motifs used on the war equipments of the Ilkhani period are mostly for decoration and are sometimes influenced by the art of China and Iran. These motifs can be seen in Jame al-Tawarikh with simple shapes, curved lines and sometimes animal motifs. The variety of motifs mentioned in Demotte Shahnameh is more and more delicately displayed, especially on the quiver.

Keywords: War Equipment, Ilkhani Period, Manuscript, Painting, Form.